

مناجات شعبانیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بارالها، بر محمد و آل محمد درود فرست

و اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ اسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ

و دعای مرا بشنو چون تو را بخوانم و ندای مرا بشنو آن گاه که تو را صدا زدم

وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ

و به من توجه فرما آن گاه که با تو نجوا کنم چرا که من به سوی تو گریخته‌ام

وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ

و در پیشگاه تو ایستاده‌ام درحالی که به درگاهت ذلیلانه زاری و تضرع می‌کنم

رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي وَ تَعَلُّمًا مَا فِي نَفْسِي

و در حالی که به پاداش خیری که نزد توست امید دارم و از دلم آگاهی

وَ تَخْبِيرًا حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ

و از حاجتم باخبری و نهانم را می‌دانی و امر بازگشت به آخرت و منزلگاه ابدی‌ام بر تو پوشیده

نیست

وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُبَدِيَ بِهِ مِنْ مَنَاطِقِي وَ أَنْقُوهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي

و آنچه را می‌خواهم به زبان آرم از تو مخفی نیست و آنچه را می‌خواهم از خواهش خویش

بازگو کنم، از تو پنهان نیست

وَ أَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي وَ قَدْ جَرَّتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي

و آنچه را برای حسن عاقبتم به تو امید بسته‌ام، بر تو پوشیده نیست؛ چراکه — ای سرور من —

حکم تقدیر از سوی تو، درباره آنچه از من تا آخر عمرم سر می‌زند، بر من جاری شده است

مِنْ سَرِيرَتِي وَ عَلَانِيَتِي وَ بَيْدِكَ لَا بَيْدَ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي وَ نَفْعِي وَ ضَرِّي

در هر آنچه در نهان و آشکار از من سر می‌زند و همه فزونی و کاستی، و سود و زیان من، تنها

به دست توست، نه غیر تو.

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرِزُنِي

معبود من، اگر مرا محروم کنی، پس چه کسی مرا روزی دهد؟

وَ إِنْ خَدَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي

و اگر مرا واگذاری و یاری‌ام نکنی، پس چه کسی یاریام دهد؟

إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ حُلُولِ سَخَطِكَ

ای الهی، از غضبت و فرود آمدن خشمت، به تو پناه می‌برم.

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

خدایا! اگر من لایق رحمت تو نیستم، اما تو سزاواری که بر من، با فراوانی فضلت بخشش کنی.

إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي وَإِقْفَاءَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ قَدْ أَظْلَمْتُ حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

معبود من! گویا خود را می بینم که اکنون در پیشگاهت ایستاده‌ام، در حالی که حُسن اعتمادم به

تو، بر وجودم سایه لطف انداخته

فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ

پس تو آنچه را شایسته آنی با من به جا آوردی و مرا با عفو خویش در بر گرفتی.

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ

معبودم، اگر عفو کنی، کیست که از تو سزاوارتر به عفو باشد؟!

وَ إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجْلِي وَ لَمْ يَدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي

و اگر اجل من نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نکرده باشد،

فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي

پس همانا اعترافم به گناه را وسیله خویش به سوی بارگاہت قرار دادم.

إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا

خدای من، من در توجه به نفس خویش بر خود ستم نموده‌ام، پس وای بر من اگر مرا نیامرزی!

إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بِرُكِّ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرُكِّ عَنِّي فِي مَمَاتِي

الهی، همچنان که نیکی ات بر من در تمام مدت زندگی پیوسته بود، پس از مرگ نیز نیکی خویش

را از من قطع مکن.

إِلَهِي كَيْفَ آيِسُ مِنْ حُسْنِ نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَ أَنْتَ لَمْ تَوَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي

پروردگارا، چگونه از حسن توجُّهت پس از مرگ ناامید شوم؟ حال آنکه در تمام عمر جز

به‌خوبی با من رفتار نمودی!

إِلَهِي تَوَلَّى مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ عُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٍ قَدْ عَمَرَهُ جَهْلُهُ

خداوندا، امر مرا برعهده گیر چنان که شایسته توست و با فضل و کرم خویش بر من ترحم نما،

بر گنهکاری که در جهل خود فرو رفته است.

إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَى

پروردگار من، در این دنیا گناہانی را از من پوشانیدی، و حال آنکه به پوشاندن آن‌ها از سوی تو

در آخرت محتاج‌ترم.

إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

الهی، به من لطف و احسان نمودی که گناہانم را برای هیچ‌یک از بندگان صالحت آشکار نمودی

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ

پس در روز قیامت نیز در حضور همگان مرا رسوا مفرما.

إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمْلِي وَ عَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي

خدایا، جود و بخشش تو امید مرا زیاد نموده، و عفو تو از عمل من برتر و والاتر است.

إِلَهِي فَسُرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ

پس خدای من، در آن روز که بین بندگان تو داوری می کنی، مرا با لقای خود شاد گردان.

إِلَهِي اعْتَذِرِي إِلَيْكَ اعْتِذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنِ قَبُولِ عُدْرِهِ

معبودا، عذرخواهی من از تو، عذرخواهی کسی است که به قبول عذرش سخت نیازمند است

فَأَقْبَلِ عُدْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ

پس عذر مرا بپذیر! ای کریم ترین کسی که بدکاران از او پوزش طلبیده اند!

إِلَهِي لَا تَزِدْ حَاجَتِي وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَأَمَلِي

بارالها، حاجتم را رد مکن و چشم طمع مرا نومید مساز، و امید و آرزویم را از خود قطع مفرما.

إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي

معبود من، اگر خواری مرا می خواستی، هدایتم نمی کردی؛ و اگر رسوایی ام را می خواستی به من

عافیت نمی بخشیدی.

إِلَهِي مَا أَظُنُّكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلَبِهَا مِنْكَ

خدایا، این گمان را به تو ندارم که مرا در حاجتی که عمرم را در پی آن سپری کردم، ناامید کنی!

إِلَهِي فَلَاكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا

پس خدای من، ستایش و سپاس مخصوص توست، ستایشی ابدی و همیشگی، و دائمی و

سرمدی

يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا نُحِبُّ وَ تَرْضَى

ستایشی که فزونی یابد و فنا نپذیرد، آن گونه که دوست داری و می پسندی.

إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتَنِكَ بِعَفْوِكَ وَ إِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتَنِكَ بِمَغْفِرَتِكَ

بارالها، اگر بنا بر جرمم با من تعامل کنی، من با عفو تو به تو روی آورم، و اگر بر گناهم مرا

مؤاخذه کنی، من به آمرزشت بنگرم

وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أُحِبُّكَ

و اگر مرا به دوزخ اندازی، به اهل جهنم اعلام خواهم کرد که من تو را دوست دارم!

إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغْرٌ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي

خداوندا، اگر برای طاعت تو، عملم اندک است، اما در کنار امید به تو، آرزویم بزرگ است.

إِلَهِي كَيْفَ أَنْقَابُ مَنْ عِنْدَكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا وَ قَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ

مَرَحُومًا

الهی، چگونه از درگاه لطف تو نومید و محروم بازگردم؟ و حال آنکه به جود و بخشش تو

خوش گمانم که مرا نجات یافته و بخشوده از درگاه لطف بازگردانی.

إِلَهِي وَ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ وَ أَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ

خدای من، من عمرم را در غرور غفلت از تو، نابود کردم؛ و جوانی ام را در مستی دوری گزیدن از تو فرسوده ساختم.

إِلَهِي قَلَمٌ أَسْتَيْقِظُ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَ رُكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ

خداوندا، من هنوز هم در روزگار خوابِ غفلت از تو، و میل به مسیر مورد غضبت به سر می برم

و بیدار نشده ام.

إِلَهِي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ

پروردگارا، من بنده تو و فرزند بنده توام، در پیشگاه تو ایستاده ام؛ و لطف و کرم تو را وسیله

خود به درگاہت قرار داده ام.

إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أَوْاجِهُكَ بِهِ مِنْ قَلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظْرِكَ

معبودا، من بنده ای هستم که به عذرخواهی به درگاہت آمده ام؛ عذرخواهی از گناهان زشتی که

به واسطه بی حیایی در حضورت مرتکب شده ام

وَ أَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتُ لِكِرَامِكَ

و از تو عفو و بخشش می طلبم؛ زیرا بخشش، توصیف کننده کرم توست!

إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَنِ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتِ أَيْقَظَتَنِي لِمَحَبَّتِكَ

الهی، توانی ندارم که از معصیت بیرون روم، مگر آن زمان که برای ادراک محبتت، بیدارم کنی

وَ كَمَا أَرَدْتُ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَ لِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْعَقْلَةِ

عَنكَ

و چنان شوم که تو خواهی تا تو را سپاس گویم که مرا در آستان کرم خویش وارد ساختی؛ و تا

شکر گویم، که قلبم را از پلیدی های غفلت از خودت، پاک گردانیدی.

إِلَهِي انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ

خداوندا، مرا مانند بنده ای بنگر که چون او را خواندی اجابت نمود؛ و چون از او به همراه یاری

خود، طاعت طلبیدی،

اطاعتت ورزید

يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَ يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ

ای نزدیکی که از فریفتگان احسانش دور نیست! و ای سخاوتمندی که از امیدواران به ثوابش

بخل نمی ورزد!

إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يَدِينِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ وَ لِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقَهُ

الهی، دلی به من عطا کن، که اشتیاقش او را به تو نزدیک نماید، و زبانی به من عنایت کن، که

راستگویی اش به سوی تو بالا رود

وَ نَظْرًا يَقْرَبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ

و نگاهی که حق بودنش، آن را به تو نزدیک سازد.

إِلَهِي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَ مَنْ لَادَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ وَ مَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ
خدای من، هر که به تو شناخته شود، مجهول و بی نام نیست؛ و آنکه به تو پناه برد، بی یاریاوار

نیست؛ و هر که تو به او توجه کنی، بنده دیگران نیست.

إِلَهِي إِنَّ مَنْ انْتَهَجَ بِكَ لُمَسْتَنِيرٍ وَ إِنَّ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ لُمَسْتَجِيرٍ وَ قَدْ أُذْتُ بِكَ يَا إِلَهِي

پروردگارم، آنکه به سبب تو راه خویش را یافت، راهش روشن است و هر آن کس به تو پناه

جست، پناه یافت. و من به درگاه تو پناه جسته‌ام، ای خدای من!

فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ

پس خوش گمانی‌ام به رحمتت را ناامید مکن؛ و مرا از پرتوی رأفت و مهربانی خویش محروم

منما.

إِلَهِي أَقْمِنِي فِي أَهْلِ وَ لَايَتِكَ مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ

پروردگارا، مرا در میان اولیای خود، در جایگاه کسانی قرار ده که به زیادی محبت امید دارند.

إِلَهِي وَ أَلْهَمْنِي وَ لَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ وَ هَمَّتِي فِي رُوحِ نَجَاحِ أَسْمَانِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ

خدایا، و با ذکر خودت، شیفتگی و اشتیاق نسبت به یادت را به من الهام کن؛ و همتم را به کامیابی

از نسیم نام‌های نیکوی خود، و جایگاه قدس و پاکی ات نائل ساز.

إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا أَلْحَقْتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ الْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ

الهی، به حق خودت، مرا به جایگاه اهل طاعتت برسان، و به منزلگاه شایسته رضایت خویش نائل

گردان

فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَ لَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا

زیرا که من نه قدرت دارم شری را از خویش دور سازم و نه می‌توانم نفعی را برای خود جلب

نمایم.

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ المُذْنِبُ وَ مَمْلُوكُكَ المُذْنِبُ

الهی، من بنده ضعیف و گنه‌کار توام و بنده تو هستم که به انابه به پیشگاهت آمده‌ام

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ وَ حَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ

پس مرا جزو کسانی که از آنان روی خود را برگرداندی قرار مده؛ و [مرا از کسانی قرار مده که]

به سبب غفلت، از عفو تو در حجاب‌اند.

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الانْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أُنِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ

بار خداوندا، نهایت رها شدن [از غیر تو و انصراف] به سوی خودت را به من عطا کن و چشمان

دلما را به نور نظر به خودت نورانی فرما

حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً

بِعِزِّ قُدْسِكَ

تا آنجا که چشمان دل‌هایمان، حجاب‌های نور را بشکافد، سپس به منبع عظمت تو واصل گردد، و ارواح ما در حریم بهاء و قدس تو به پرواز درآید.

إِلَهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لَجَلَالِكَ

خداوندا، مرا از آنان قرار ده که آنان را [به سوی خود] خواندی، پس تو را اجابت نمودند؛ و با

گوشه‌چشمی به آنان نظر کردی، پس در مقابل جلالت، مدهوش گشتند

فَنَاجَيْتُهُ سِرًّا وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرًا

سپس با آنان در سویدای دلشان به‌راز سخن گفتمی، و آنان برای تو آشکارا عمل نمودند.

إِلَهِي لَمْ أَسْلُطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي فَنُوطَ الْإِيَّاسِ وَ لَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ

معبودا، من ناامیدی را بر حُسنِ ظنم به تو، غلبه نداده‌ام؛ و امیدم از بخشش زیبایت قطع

نشده‌است.

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْفَطْتَنِي أَدِيكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

خداوندا، اگر خطاهایم مرا از چشم تو انداخته‌است؛ پس به‌خاطر حُسنِ اعتمادم به تو، مرا

بخش!

إِلَهِي إِنْ حَطَّتِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهْنِي الْيَقِينُ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ

خدای من، چنانچه گناهان مرا از شایستگی عنایت‌های لُطفت ساقط کرده، اما یقینم مرا به‌سوی

بزرگی عطفوت متوجه نموده‌است.

إِلَهِي إِنْ أَنَامَتِي الْغَفْلَةُ عَنِ الْإِسْتِعَادِ لِلْقَائِكَ فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آلَائِكَ

پروردگار من، و اگر غفلتم مرا از آمادگی دیدار تو به خواب افکنده، اما آگاهی من از نعمت‌های

کریمانه‌ات مرا بیدار نموده‌است.

إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمِ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلِ ثَوَابِكَ

خداوندا، و چنانچه کیفرِ عظیم تو، مرا به‌سوی آتش می‌خواند، اما پاداش فراوانت، مرا به‌سوی

بهشت فراخوانده‌است

إِلَهِي فَلَا أَسْأَلُ وَ إِلَيْكَ أَبْتَهِلُ وَ أَرْغَبُ

پس ای معبود من، من فقط از تو درخواست می‌کنم، و فقط به درگاه تو با ناله و زاری و شوق،

تضرع می‌ورزم

وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلَ مُحَمَّدَ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يَدِيئُ ذِكْرَكَ

و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از آنان قرار دهی که همواره به یاد

تو هستند

وَ لَا يَنْفُضُ عَهْدَكَ وَ لَا يَغْفُلُ عَن شُكْرِكَ وَ لَا يَسْتَخْفُ بِأَمْرِكَ

و پیمان تو را نمی‌شکنند و از شکر تو غافل نمی‌شوند و امر تو را سبک نمی‌شمارند.

إِلَهِي وَ الْحَقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا وَ عَنِ سِوَاكَ مُنْحَرَفًا وَ مِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا
خداوندا، و مرا به نور عزتت که بهجت‌انگیزتر از هرچیز است ملحق فرما تا آنکه تو را بشناسم

و از غیر تو روی‌گردان شوم، و پیوسته از تو در خوف و مراقبت باشم.

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای دارای جلال و بزرگی، و ای صاحب کرامت و لطف

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

و درود خدا بر فرستاده‌اش محمد و خاندان مطهرش باد، و سلام بسیار و خاص حق بر ایشان

باد.